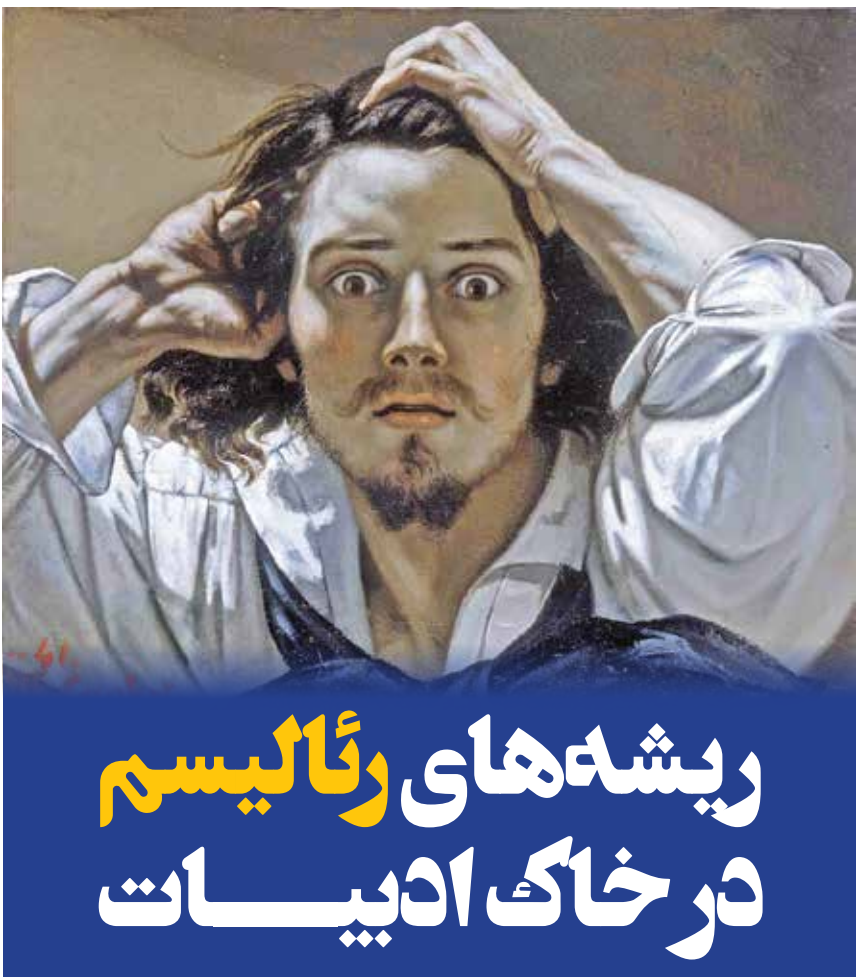




فرحناز دهقی / خبرنگار  
چگونه ژانر ادبی واقع گرایی ایجاد شد و تا کجا پیش رفته است؟

جمع خوانی



## ریشه‌های رئالیسم در خاک ادبیات

از الکساندر دوما، بالزاک، جورج الیوت و گوستاو فلوبر گرفته تا نویسندگان معاصر مانند ایزابل آلنده، ارنست همینگوی و جومپا لاهیری همگی نمایندگان رئالیسم هستند و واقعیت را همانگونه که بود، به رشته تحریر در می‌آوردند.

سبک ادبی رئالیسم یکی از جنبش‌های ادبی‌ای است که از اواسط قرن هجدهم در ادبیات فرانسه و کمی بعدتر در ادبیات روسیه ایجاد شد. این سبک ادبی تلاش می‌کند وقایع، رویدادها و چیزها را همان‌گونه که وجود دارند، توصیف کند. بزرگ‌ترین منبع الهام نویسندگان رئال، تجارب، دیده‌ها و شنیده‌هایشان است. آنها به دور از عناصر ادبی از جمله اغراق، بزرگ‌نمایی و عناصر ماوراء طبیعی، به تحریر رویدادها می‌پردازند. نظریه‌پرداز پیشگام این ژانر ادبی خولیوس فرانسس شامپفلوری است که به عقیده‌اش از آن باید برای بیان حقایق و نشان دادن وقایع روزانه بی‌کم و کاستی بهره گرفت. این گونه ادبی در ابتدا برای تشریح زندگی طبقه متوسط به‌کار می‌رفت اما رفته‌رفته نویسندگان دانستند می‌توانند از رئالیسم استفاده کنند تا بدون رمانتیکلیزه و دراماتیکی کردن، بحران‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی اعم از فقر، اختلاف طبقاتی، بی‌عدالتی و... را نشان دهند. ایان وات منتقد ادبی در کتاب «خیزش رمان» نوشته است: رئالیسم مدرن با این عقیده متولد شد که حقیقت می‌تواند از طریق احساسات افراد کشف شود و اگر بخواهیم سرمنشأ و مبدأ آن را پیدا کنیم باید به سراغ رنه دکارت و جان لاک برویم. اما توماس رید کسی بود که در میانه قرن

هجدهم، به آن شکل و فرم داد. نویسنده‌های رئالیسم از دستاوردهای علم معاصر بهره می‌گرفتند تا حقیقت و رئال را بهتر توصیف کنند. در آثار آنها معمولاً رد پای از آخرین دانسته‌های علمی، مسائل اجتماعی و اخلاقی هم به چشم می‌خورد. در این دوران، ژانر ادبی رمانتیکسم رفته‌رفته رونق بیشتری می‌گرفت و رمان‌های اثرگذاری مانند دون ژوان، فرانکشتاین، نامه اسکارتلت، منسفیلد پارک، جین ایر، غرور و تعصب و... نگاشته شدند و مخاطبان با شور و حرارت این آثار را دست به دست می‌کردند. به همین علت بود که یک نبرد نامرئی میان سبک رئالیسم و رمانتیکسم ایجاد شد و نویسندگان هر دو ژانر تلاش می‌کردند با ارائه نظریات خود، اثبات کنند سبک مورد پسند خود از ژانر دیگر ضروری‌تر و غنی‌تر است.

بالزاک نویسنده کتاب «کمدی انسانی» معتقد بود آثار شاعرانه و علمی فعالیت‌های نزدیک به یکدیگری هستند که نشان از میل هنرمندانشان به تحت کنترل در آوردن متدهای علمی دارد. به‌زعم او، هنرمندان سبک رئالیسم، با احساسات خود به تشریح وقایع می‌پردازند. خود بالزاک در میان انبوه نویسندگان سبک رمانتیکسم،

## اثر ادبی شاخص سبک رئالیسم

### پیرمرد و دریا

#### ارنست همینگوی

سانتیاگو پیرمردی بی‌حاشیه است که ظاهراً دست از دنیا شسته و به زندگی فقیرانه خود در حاشیه دریایی که تمام سال‌های جوانی‌اش را در آن گذرانده، می‌پردازد. او تنها یک رؤیا در سر دارد: تا پیش از سر آمدن عمرش، بتواند یک ماهی صید کند که آبروی سال‌های جوانی‌اش را حفظ کند و به همسایگانش نشان بدهد. این پیرمرد آرام و ساکت، هیچ کم از جوانی پرشور و کارآمد ندارد. سانتیاگو دل به دریا می‌زند و در نبردی که هر لحظه جاننش را به خطر می‌اندازد، به آرزوی کهنسالی‌اش می‌رسد اما غافل از آنکه او در نبردی دیگر مغلوب چیزی می‌شود که شاید هرگز به آن فکر نکرده است. همینگوی با تجربه سال‌ها قلم‌زدن به‌عنوان روزنامه‌نگار داستانی را خلق کرده که بدون هیچ جمله یا حتی کلمه‌ای اضافه، به شرح مختصر زندگی انسانی پرداخته است که در بازی روزگار گرفتار شده است. این داستان که یکی از شاهکارهای ادبی در سبک رئالیسم است، به گفته نویسنده، ماحصل و چکیده زندگی هنری اوست. بدون شک ترجمه بی‌ظنیر نجف دریابندری از خوش‌اقبال‌ی ما فارسی‌زبانان است که لذت تجربه خوانش این داستان‌گیرا را دوچندان می‌کند.

### مادام بواری

#### گوستاو فلوبر

نویسنده شهیر فرانسوی، ۵ سال از زندگی خود را صرف رمانی کرد که در فهرست بهترین رمان‌های تاریخ قرار دارد. مادام بواری، دختری است که از دل یک شهرستان دلباخته جذابیت‌های جامعه‌ای می‌شود که با طبقه کنونی‌اش فاصله چشمگیری دارد و برای رسیدن به این خواسته، هنجارهایی را که به زعم خود بر مسیرش قرار گرفته می‌شکند. فلوبر به اندازه‌ای با مهارت این شخصیت را خلق کرده که بسیاری از منتقدان او را مؤثرترین شخصیت ادبی می‌دانند که در بسیاری از جنبش‌ها و تحولات ردپای طرز فکر و عقیده‌اش دیده می‌شود. پرتره مادام بواری تأثیر بسیار زیادی بر جنبش‌های فمینیستی گذاشت و راه را برای شخصیت‌های زن داستانی پس از خود هموار کرد.

### بیداری

#### کیت شوپن

کیت شوپن، یکی از مهم‌ترین نویسندگان آمریکایی است که در عمر کوتاهش با نام‌ایمیتی و بی‌عدالتی‌های بسیار روبه‌رو شد. مهم‌ترین اثر او بیداری نام دارد که به سرگذشت یک زن معمولی بدون هیچ ویژگی برجسته‌ای پرداخته که اتفاقاً جنگ با روزمرگی و ملال‌جا مانده از کلیشه‌های مرسوم برای زنان جامعه خود، مهم‌ترین ویژگی‌اش است. این کتاب بلافاصله پس از انتشار با طوفانی از انتقادات روبه‌رو شد و شخصیت آن را ناپایدار، بی‌اخلاق، خودخواه، بیمار و... توصیف کردند. اگرچه پیش از این تولستوی و فلوبر و... در رمان‌های خود به خلق شخصیت زن هنجارشکن روی آورده بودند اما این شوپن بود که مورد هجوم منتقدان قرار گرفت و دامنه این هجمه آنقدر گسترده شد که آینده حرفه‌ای او را تحت تأثیر قرار داد و دیگر نویسنده نتوانست در برابر تبعیض‌های جنسیتی دوام بیاورد و هر داستانی که می‌نوشت سرنوشت از پیش تعیین شده‌ای پیدا می‌کرد. بیداری رمانی است که در سبک رئالیستی نوشته شده و با پرداخت به موضوعاتی مانند طلاق، طغیان زنان، ازدواج میان نژادهای مختلف و... باورهای رایج را درباره نویسندگی زنان به چالش کشید.

تلاش کرد به چارچوب رئال وفادار بماند و در آثارش واقعیت را به رشته تحریر در بیاورد زیرا به باور او، وظیفه اخلاقی نویسنده در آن زمان ایجاب می‌کرد جامعه خود را بی‌کم و کاست توصیف کند. بالزاک عمیقاً باور داشت نویسنده، جدا از استعداد هنری و ادبی‌اش باید مورخ وقایع، فرهنگ و آداب و خلیقات مردم جامعه‌اش باشد. بسیاری از منتقدان اعتقاد دارند، رئالیسم قرن نوزدهم واکنشی به رمانتیکسم بود که به تمامی شعر و ادبیات جهان را در بر گرفته بود. رئالیسم از بدو آغاز حیاتش آنچنان قدرتی پیدا کرده بود که باعث شکل‌گیری چندین جنبش روشنفکری شده است؛ اگرچه بیشتر این جنبش‌ها ماهیتی ضد رمانتیکسمی داشتند. بسیاری از منتقدان اعتقاد دارند پایه‌های علوم انسانی اعم از روزنامه‌نگاری، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و... بر ادبیات رئالیسم بنیان نهاده شده است. عکاسی نیز یکی از هنرهایی است که به زعم منتقدان از ادبیات رئالیسم الهام گرفته زیرا به همان اندازه در خدمت ثبت و ضبط زندگی و جامعه است.

### ناتورالیسم، رئالیسم جدید است

در اواخر قرن نوزدهم، رئالیسم در بسیاری از آثار ادبی به سمت و سویی می‌رفت که نحوه تأثیر وضعیت اجتماعی، محیط زیست و ژنتیک بر شخصیت انسانی را به وضوح آشکار می‌کرد. بر همین اساس، منتقدان نام این دگرذیسی ادبی را ناتورالیسم گذاشتند و آن را زیر شاخه‌ای از ادبیات رئالیسم قرار دادند. مقابله

ناتورالیسم با جنبش‌های رمانتیکسم و سوررئالیسم جدی‌تر بود و از این طریق، نویسندگان این ژانر درصد این بودند که واقعیت‌های روزمره باورپذیر را بیش از پیش وارد آثار ادبی کنند و کمتر از ارائه‌های نمادین، کمال‌گرایانه و ماورای طبیعی استفاده کنند. تئوری انقلاب چارلز داروین، تأثیر شگرفی بر ناتورالیسم گذاشت و نویسندگان محتاطانه تلاش می‌کردند درباره وقایعی که واقعاً وجود دارد و به چشم می‌بینند بنویسند. در این بین، برخی نویسندگان ناتورالیسم دو عنصر محیط زیست و ژنتیک را هم رفته‌رفته رها کردند و تنها به شرح رفتارها و تصمیم‌های شخصیت‌ها پرداختند. اغلب نویسندگان ناتورالیسم به درونمایه‌هایی همچون خشونت، تبعیض نژادی، فقر، غرور، فساد، بیماری و... می‌پردازند و بیشتر از همیشه بر نیمه تاریک زندگی متمرکز شده‌اند. شاید به همین دلیل است که اصلی‌ترین علت انتقاد به آنها این است که بیشتر از آنچه باید، به فلاکت و تیره‌روزی انسان‌ها می‌پردازند و توجه زیاد به این آثار برای سلامت روانی جامعه مناسب نیست.